



www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۹ • ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۲ آگوست ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۸۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۷

اذان صبح فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه شرق



مترسک، عکس: امغر خسته، ایرنا

واکنش

نقد علمی جرم نیست، منتقدان را به دادگاه نکشانید!

به‌تازگی منتقد یک کتاب با شکایت نویسنده به دادگاه کشیده شده است، ۲۰ استاد دانشگاه از سراسر ایران ازجمله فرزان سجودی، سعید شفیعیون ... به این موضوع واکنش نشان داده‌اند و در بیانیه‌ای نسبت به عواقب این‌گونه برخورد‌ها هشدار داده‌اند که متن آن در ادامه می‌آید: «این روزها اخبار نگران‌کننده‌ای شنیده می‌شود مبنی بر اینکه منتقد یک کتاب در پی شکایت نویسنده آن به دادگاه احضار شده و «نقد علمی چونا جرم» موضوع پرونده قضائی بر روی میز دادیار دادرسا قرار گرفته است. چنین رخدادی در تاریخ کتاب و کتابت کم‌سابقه است و در فرهنگ ایرانی و اسلامی کمتر قاضی و محکمه‌ای را سراغ داریم که میان نویسنده یک اثر علمی و منتقد آن به حکمیت نشسته باشد! در باب این رخداد ناخوشایند چند نکته قابل تأمل است:

۱) نقد، منظره، خِلافات فکری و اختلافات علمی، موضوعی دانشگاهی است و نه دادگاهی. نقد مُستند علمی نه اتهام است و نه افترا که به مقام قضائی ارجاع داده شود. در گفتمان دانشگاهی آنگاه که منتقدی یک اثر فکری را به سنجار نقد می‌کشد، قاعداً ادله خود را مستند و مستدل می‌آورد. منتقد هم مجال کافی و موسع دارد که در هر تریبونی به ایرادها و نقدها پاسخ دهد. حُکم صالح، میان دو طرف متخاصم، خبرگان و متخصصان و افکار اهالی آن گفتمان تخصصی هستند. علاوه بر اینها، نهاد نظارتی دانشگاه نیز بر نتایج این مجادله فکری نظارت دارد و در صورت اثبات تخلف آداب و قواعد مشخصی برای تبئّه و مجازات متخلف دارد. کوتاه سخن آنکه حُکم مناظرات و مخاصمت علمی، جامعه علمی است و نه دادگاه عمومی.

۲) کشاندن نقد دانشگاهی به محکمه قضائی، باید ناشی از یک تلقی غیردانشگاهی از نقد باشد که «نقد را چونا جرم» می‌پندارد. چنین رفتاری با نقادی به‌ویژه نقد علمی، پیامدهای ناگواری برای توسعه علم و رشد تفکر انتقادی دارد.

نه تنها فضا را بر «آزاداندیشی» تنگ می‌کند بلکه به خاموشی صدای نقد و هراس از محاکمه به جرم نقد و نهایتاً به انسداد آزادی بیان، حتی در عرصه علم می‌انجامد. آزادی بیان مهم‌ترین رکن برای ترویج «آزاداندیشی» و رشد و توسعه علمی و تفکر انتقادی است. ترویج پنداره «نقد علمی چونا جرم»، از سویی راه سنجشگری اندیشه را به روی متخصصان و جامعه علمی می‌بندد و از دیگر سو گوشه امن و بی‌خطری برای متخلفان فراهم می‌آورد.

۳) عدم التفات نهادهای دانشگاهی به نقد و اعتراض‌ها بر تخلفات پژوهشی، سبب تسامح و تساهل در تخلفات علمی شده و حتی کار را به آنجا کشانده که نقد علمی را به توهین و افترا تعبیر می‌کنند و منتقد را به جرم نقد علمی کتاب و کاربرد یک اصطلاح تخصصی (مندرج در منشور و موازین اخلاق پژوهشی وزارت علوم، ۱۳۹۱، فصل ۴ ماده ۲۶ و فصل ۷ ماده ۲۹) در کنار مجرمان سابقه‌دار به پای میز محاکمه می‌کشانند. حال آنکه متخلفانی که تخلف و تقلب علمی‌شان نزد همگان آشکار است، همچنان حائز رتبه‌های دانشگاهی می‌شوند.

۴) سپردن قضاوت در باب مشاجرات علمی به نهادهای ناآشنا به دقایق تحقیق و پژوهش به هر وجهی، تبعات نامطلوبی برای تفکر انتقادی و آزادی بیان و اندیشه خواهد داشت. شایسته است که نهاد محترم قضائی، حل‌وفصل مسائل و اختلافات علمی را به خود جامعه علمی با حکمیت متخصصانش واگذارد.

اسامی استادان به ترتیب حروف الفبا به شرح زیر است: نصرالله امامی، دانشگاه اهواز؛ عیسی امن‌خانی، دانشگاه گلستان، مرتضی بابک‌معین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، محمد تقوی، دانشگاه فردوسی مشهد، بدالله جلالی‌پندری، دانشگاه یزد، محمدرضا ترکی، دانشگاه تهران، مریم حسینی، دانشگاه الزهرا، ابراهیم خدایار، دانشگاه تربیت‌مدرس، فرزان سجودی، دانشگاه هنر تهران، حمیدرضا شعیبی، دانشگاه تربیت‌مدرس، سعید شفیعیون، دانشگاه اصفهان، یاقر صدری‌نیا، دانشگاه تبریز، مریم عاملی‌رضایی، پژوهشگاه علوم انسانی، حبیب‌الله عباسی، دانشگاه خوارزمی، داوود عمارتی‌مقدم، دانشگاه نیشابور، محمود فتوحی‌رودمعه‌چی، دانشگاه فردوسی، سیدعلی قاسم‌زاده، دانشگاه بین‌المللی قزوین، رحمان مشتاق‌مهر، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، علیرضا نیکویی، دانشگاه گیلان و پارسا یعقوبی جنبه‌سرای، دانشگاه کردستان.

روزگار کرونايي-۲

افراد غریبه به‌مثابه خطر بالقوه

فَوی کارل، مَتیو راتکلیف، تام فروزی در نشریه تخصصی Lancet در ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰/۱۰ تیرماه ۱۳۹۹) مطالب‌های را منتشر کرد که دیروز بخش اول آن منتشر شد.

در مطالعه تجربه اجتماعی زمان همه‌گیری جهانی باید بر مضمون دیگری نیز تأکید کنیم: بافتار و زمینه‌ای که تعاملات بین‌فردی در آن اتفاق می‌افتد، جهان مشترکی که پیشاپیش وجود داشته و هنگام مواجهه با فرد دیگر خود را در آن محَل کار و پارک، به‌طور هم‌زمان درکی است از اینکه در هرکدام از این موقعیت‌ها از دیگران چه انتظاری داشته باشیم و با آنان چگونه تعامل کنیم.

در بسیاری از کشورها، با اجرای فاصله‌گذاری اجتماعی، بخشی عمده از این ساختارهای زمینه‌ای تغییر کرده‌اند و هنجارهای تعامل که زمانی بدیهی فرض می‌شدند از بین رفته‌اند. در نتیجه ازدست‌رفتن این ساختارهای زمینه‌ای [گاهی اوقات احساس می‌کنیم که دیگر نمی‌دانیم باید چطور رفتار کنیم، چگونه دیگران را تعبیر کنیم یا با آن تعامل کنیم- نه‌تنها قواعد و اصول ایمن موقعیت جدید تازه‌اند، بلکه به شکل عجیبی ناکامل هم هستند. الگوهایی که به صورت عادی انتظارشان را داریم، با اجرای فاصله‌گذاری اجتماعی در فضاهای عمومی، مکرراً به چالش کشیده می‌شوند و به همین دلیل، تجربه عدم قطعیت اضطراب‌آلود و تجربه غیبت و فقدان وجود دارد. برای برخی، این حالت معادل با چیزی است که می‌توان آن را عدم قطعیت کلی نامید: ازدست‌رفتن اعتماد و اطمینان پیشاتاملی به قضا در ارتباط با اغلب امور زندگی‌مان داشتم. این شرایط تجربه فرد و ارتباط و درگیری او با تمامیت جهان را دربر می‌گیرد. مشخصه عناصر مختلف تجربه دوران همه‌گیری بدگمانی، عدم قطعیت و تردید است. ممکن است به هوایی که تنفس می‌کنیم و سطوحی که لمس می‌کنیم بی‌اعتماد باشیم و افراد غریبه هم ناگهان به‌مثابه منابع پینی‌بینی‌ناپذیر خطری بالقوه به نظر می‌رسند. احساس فراگیر عدم قطعیت می‌تواند باعث شود که هر احساس ناراحتی بدنی، فرد را به تردید بیندازد و پرسش‌هایی را برایش برانگیزد (آیا کلویی درد می‌کند؟ این سرفه چه بود؟). تردید می‌تواند در هنگام انجام فعالیت‌های روتین مانند شستن دست‌ها با تمیزکردن سطوح هم ایجاد شود، آیا این کار را به قدر کافی خوب انجام دادم؟ تردید باقی‌مانده (آیا همه چیز را تمیز کردم؟) می‌تواند احساس اطمینان روزمره و عادت‌ی‌مان را از بین ببرد و آن را به الگویی از بی‌اعتمادی، رفتار وسواسی و اضطراب تبدیل کند. با این تغییر، احساس اطمینان، اعتماد، آسایش و تعلق که زمانی برای بسیاری از ما -قطعا نه برای همه ما- بدیهی بود، از بین می‌رود و غیبت اینها باعث می‌شود که خود را به شکلی غریب نشان بدهند. بررسی این نوع تجربه‌ها اهمیت دارد: در طول همه‌گیری جهانی کووید۱۹ و در نتیجه اقدامات درازمدت فاصله‌گذاری اجتماعی، تجربه انسان‌ها -از خودشان، دیگران و جهان به‌طورکلی- چگونه تغییری کرده است؟ اگر این ادعای پدیدارشناسی درست باشد که تعامل بدن‌مند با دیگران پایه‌ای اساسی در تجربه انسانی است، قاعداً وقوع اختلال بی‌سابقه در چنین تعاملی [که در دوران همه‌گیری رخ داده است، باید اثری ناپایدارکننده داشته باشد. بهتر پدیده‌های

منفی و نیز پیامدهای مثبت این نظم‌باختگی تجربه انسان‌ها ارزشمند است. اما، با توجه به برخی گزارش‌های رسانه‌ها و مؤسسات سلامت روان درباره همراهی آن با مشکلاتی در سلامت روان، آنچه نیازمند فوری‌ترین توجه است اثر مضر آشفتنی درازمدت در زندگی اجتماعی است. در ماه‌های آینده که -امیدواریم- جهان از مرحله بحرانی همه‌گیری به سمت شرایطی شیبه‌تر به زندگی «نرمال» گذر می‌کند، بسیار اهمیت دارد که از این فرصت برای انجام اجتماعی مجدد بیشترین بهره‌ر برد شود. درک بهتر ازدست‌رفتن ساختارهای هنجارین قبلی از دنیای اجتماعی و تأثیر فاصله‌گذاری اجتماعی بر توانایی‌های بین‌فردی انسان‌ها می‌تواند به روشن‌شدن برخی رفتارهای مشکل‌ساز که خود را به شکل بی‌اعتنایی به فاصله‌گذاری اجتماعی نشان می‌دهد نیز کمک کند. علاوه بر آن، تأمل پدیدارشناسانه بر تجربه‌های‌مان و بر آنچه در زمان همه‌گیری جهانی به دست آورد‌ه‌ایم یا از دست داده‌ایم، باعث می‌شود که قدر چیزهایی را که قبلاً بدیهی فرض می‌شد -یعنی بودن بدن‌مندمان با دیگران در جهانی مشترک- بیشتر و عمیق‌تر از قبل بدانیم.

شنیدن خبر درگذشت «خسرو سینیایی» در این روزگار کرونايي بسیار دردناک بود. کارگردان خوش‌سلیقه سینیای ایران که در سه ماه گذشته درگیر بیماری و عمل جراحی بود و در نهایت کرونا ضربه آخر را به او زد. خبرنگاران، همکاران و نهادهای مختلف در رابطه با این کارگردان بزرگ سینما و دوستانش به‌تازده با خبر درگذشت او از زبان همسرش فرح اصولی در ساعت ۱۶ روز ۱۱ مرداد مواجه شدند. پیش از این اعلام شده بود که او به خاطر کرونا در بیمارستان امیراعلم بستری است اما همان‌طور که خانه سینما در بیانیه خود نوشته بود: «باورمان نمی‌شود که خسرو سینیایی رفته باشد. اوئی که بودنش را حک کرده بود بر وجودمان. ناباورانه باید به یکدیگر تسلی دهیم و در فراغش سوگواری کنیم. اعلام نودوشن نه تنها اهالی سینمای این مرز و بوم که سینماگران بسیاری را در این جهان پهناور در ماتم فرو خواهد برد». بسیاری به مناسبت درگذشت او اعلامیه تسلیت دادند و قرار شد برنامه‌های خاکسپاری‌اش با هماهنگی خانواده و خانه سینما برگزار شود. محسن امیریوسفی، رئیس کانون کارگردانان نیز که در خانه سینیای حضور داشت، به این نکته اشاره کرد که «کارگردانی تکرارنشدنی را از دست دادیم».

البته باید درنظر داشت به خاطر کرونا نحوه برگزاری مراسم بزرگداشت و خاکسپاری با محدودیت‌هایی همراه است. عروس آتش، گویر خون، مثل یک قصه، گفت‌وگو با سایه، مرثیه گمشده و جزیره رنگین تعدادی از فیلم‌های سینیایی و مستند کارگردان ۸۰ساله سینیای ایران هستند که جوایز متعددی را از جشنواره‌های سراسر جهان دریافت کرده‌اند. کارگردانی که فیلم‌سازی خود را از سال ۱۳۴۶ آغاز کرد اما به قول «ابوالحسن داودی» دوست و همکارش «یکی از حسرت‌به‌دل‌ترین کارگردانان سینیای ایران بود».

ابوالحسن داودی: یکی از مظلومانه‌ترین مرگ‌ها را داشت

هنگامی که خبر درگذشت «سینیایی» منتشر شد، با افسوس فراوان از این فقدان به سراغ داودی رفتیم که تازه این خبر را شنیده بود و گفت: «نمی‌دانم چه باید گفت، بسیار حس غریبی است. خیلی سال است که من خسرو سینیایی را می‌شناسم. آشنایی‌ام برمی‌گردد به پیش از انقلاب. یقین می‌دانم که مرگ برای همه هست، امروز و فردا هم ندارد، اما باید بگویم سینیایی یکی از مظلومانه‌ترین مرگ‌ها را داشت. با یک حسرت بزرگ از کارهای نگرده‌ای که ساختشان آرزویش بود. قطعا یکی از چند هنرمند معدودی بود که مرز اخلاقیات حرفه‌ای را در سینیمای ایران جابه‌جا کرده بود. بر این باورم اگر قرار باشد بخوابیم شریف‌ترین فرد سینیمای ایران را در چند



www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۹ • ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۲ آگوست ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۸۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۷

اذان صبح فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه شرق

یادبود

خسرو سینیایی درگذشت

کارگردانی که آرزویش برآورده نشد

دوستدارانش بسیار دردناک است.»

فیلم‌بردار عروس آتش: مرد بزرگی را از دست دادیم

دیگر همکار او علی لقمانی است؛ فیلم‌بردار فیلم به‌یادماندنی «عروس آتش» که آن‌قدر اندوهگین بود که با بغض و گریه سخن می‌گفت: «مرد بزرگ و تازنینی را از دست دادیم و متأسفانه روز به روز اندوخته‌های فرهنگی‌مان کمتر می‌شود. روز به روز بیشتر حسرت می‌خوریم که انسان‌های فرهنگی و فرهنگمان تحلیل می‌رود و قدرشان را نمی‌دانیم». اوادامه می‌دهد: «ارتباط من و آقای سینیایی حاصل ۳۵ سال شاگردی و دوستی است. انسانی بود که از هرگونه جناح‌بندی و باندبازی به دور بود. این قدر بلندنظر بود که همیشه با مناعت طبع هر نظری را می‌شنید و اگر مخالف و موافق بود با خوشرویی بیان می‌کرد». این فیلم‌بردار سینیای ایران که از سال ۶۹ در اکثر فیلم‌های سینیایی بوده است، می‌گوید: «هرچند عروس آتش بیشتر دیده شد، اما فیلم‌های دیگر ایشان هم از نظر سینیایی غنی است، شاید دلیل ماندگار بودن عروس آتش در یادها این باشد که مخاطبان بیشتری درگیر این موضوع بودند اما هر بار که از او می‌پرسیدیم کدام اثرش را بیشتر دوست دارم، می‌گفت نمی‌توانم تفکیک قائل شوم؛ نمی‌توانم بگویم کدام فیلم خاص را بیشتر دوست دارم». از نظر لقمانی ویژگی سینیای سینیایی این بود که «بسیار خوب با هنرهای دیگر آشنا بود و از امکانات دیگر هنرها هم برای بیان سینیایی استفاده می‌کرد. معماری، موسیقی، ادبیات و هنرهای تجسمی ... را می‌شناخت و این شناخت عمیق و گسترده به پرداخت جامع‌تر و وسعت‌تر موضوعات کمک می‌کرد.»

آخرین آرزو

آن طور که این همکار قدیمی می‌گوید، خسرو سینیایی بسیار امید داشت که یک کار مشترک با لهستانی‌ها درباره دغدغه همیشگی‌اش سرنوشت مهاجران لهستانی بسازد. حتی تهیه‌کنندگان لهستانی اعلام آمادگی کرده بودند. اما این اتفاق نیفتاد و ساخت این فیلم نیز به یکی دیگر از حسرت‌های این کارگردان صاحب‌نام ایران بدل شد. یکی از ویژگی‌های سینیایی کشف و پیداکردن بازیگران توانا برای سینیمای ایران بود. حمید فرخ‌نژاد بی‌تردید یکی از بهترین بازی‌های خود را در عروس آتش داشت. دوست و مهدی احمدی نقاشی بود که با «کوچه‌های عشق» به سینیمای ایران معرفی شد. شبکه‌های اجتماعی بعد از انتشار خبر درگذشت این کارگردان مطرح با افسوس و حسرت از این جای خالی بزرگ یاد کردند. خاطره توقیف و شروطی که برای اکران «عروس آتش» گذاشته شده بود، ازجمله عوض‌کردن لباس بازیگران زن... و مرور و برخی از مصاحبه‌های او بازخوانی شد.

آن طور که این همکار قدیمی می‌گوید، خسرو سینیایی بسیار امید داشت که یک کار مشترک با لهستانی‌ها درباره دغدغه همیشگی‌اش سرنوشت مهاجران لهستانی بسازد. حتی تهیه‌کنندگان لهستانی اعلام آمادگی کرده بودند. اما این اتفاق نیفتاد و ساخت این فیلم نیز به یکی دیگر از حسرت‌های این کارگردان صاحب‌نام ایران بدل شد. یکی از ویژگی‌های سینیایی کشف و پیداکردن بازیگران توانا برای سینیمای ایران بود. حمید فرخ‌نژاد بی‌تردید یکی از بهترین بازی‌های خود را در عروس آتش داشت. دوست و مهدی احمدی نقاشی بود که با «کوچه‌های عشق» به سینیمای ایران معرفی شد. شبکه‌های اجتماعی بعد از انتشار خبر درگذشت این کارگردان مطرح با افسوس و حسرت از این جای خالی بزرگ یاد کردند. خاطره توقیف و شروطی که برای اکران «عروس آتش» گذاشته شده بود، ازجمله عوض‌کردن لباس بازیگران زن... و مرور و برخی از مصاحبه‌های او بازخوانی شد.

تلنگر

درز خشونت‌های خانگی، از خانه به خیابان!

این بخش آن خطرناک است که حریم خانه و خانواده را نگه نمی‌داریم. این روزها مشکلات اقتصادی، بسیاری از بخش‌های زندگی‌مان را تحت‌الشعاع خود قرار داده است، به‌گونه‌ای که تحمل این شرایط سخت شده است، ولی مشکلات هر چقدر بزرگ هم باشد نباید بهانه‌ای شود که نسبت به شریک زندگی‌مان اعمال خشونت کنیم. اتفاقاً در چنین موقعیت‌ها و شرایطی لازم است بیش از پیش هوای همدیگر را داشته باشیم تا بتوان با تدبیر بیشتر از بحران‌ها عبور کرد. گرچه همه این نوع رفتارها در صحنه‌هایی که من دیدم به نظر این‌گونه بود کنند. نشانه‌ای از ترویج بی‌اخلاقی است که عوارض آن را در خانواده و جامعه می‌بینیم. ثبت حدود ۲۰ طلاق در هر یک ساعت در سال گذشته خود گویای بخشی از این مشکلات است که بیرون زده و به طوقای منجر می‌شود. بخشی از خودکشی‌ها ناشی از همین شرایط است و اختلالات جدی در درون خانواده می‌تواند علاوه بر این موارد زمینه وقوع آسیب‌های اجتماعی دیگر ازجمله روابط فرزاناشویی و حتی شیوع اختلالات روانی را هم به دنبال داشته باشد.

مراقبت کنیم تا مشکلات دوروبرمان هر چقدر بزرگ و کوچک، بهانه‌ای نشوند که عشق، علاقه و محبت بنیمان را تحت تأثیر قرار دهد و روز به روز از هم فاصله بگیریم حتی اگر به‌ظاهر زیر یک سقف باشیم.

خونه، هرچه داری از صدقه‌سری پدر منه و...». صحنه سوم مربوط به صبح روز جمعه است که مردی به‌همراه همسر و دو فرزندش داشتند جایی می‌رفتند. یک‌دفعه مرد برگشت و با صدای بلند و توهین‌آمیز به همسرش که دستان پسرانشان را گرفته بود و به خود چسبانده بود، گفت: «من نمی‌آیم و هر غلطی می‌خواهی برو بکن! کار نمی‌کنم که برای شما خرج کنم».

فارغ از اینکه عوامل تأثیرگذار بر این نوع اختلافات در این‌سه خانواده چه بودند -چون هیچ اطلاعاتی ندارم- آنچه من را نگران کرده -و تنها این صحنه‌ها نیست که می‌بینم- این است که خشونت دارد تبدیل به وجه مشخصه رفتارمان می‌شود و حتی این رفتار به نزدیک‌ترین کسانمان هم سرایت می‌کند. نمی‌خواهم این رفتار را در داخل خانه توجیه کنم که اصلاً مورد تأیید من نیست و کاملاً مخالف هر نوع رفتار خشونت‌آمیز هستم، چه برسد به اعضای خانواده، ولی اینکه دیگر حیا را کنار می‌گذاریم و در محیط‌های عمومی خارج از خانه این‌گونه رفتاری با همسرانمان داریم نشان از ضعف اخلاق در خانواده و جامعه است و اینکه مهارت‌های حل تعارضات را خوب بلد نیستیم و نمی‌توانیم گفت‌وگوهای سازنده داشته باشیم تا مشکلاتمان را در خانه به روش‌های مستقیم حل کنیم و هرکدام‌مان مجبور می‌شویم از نقطه‌قوتمان که با زور است یا پول برای تحقیر شریک زندگی‌مان و اعمال رفتار خشونت‌آمیز استفاده کنیم. حتی به فکر تأثیرات مخرب و شکستنده این نوع رفتار روی فرزندانمان هم نیستیم و

این سازمان مراجعه کردند و از آنها پرسیدند آیا راهی برای کمک به شما در هنگام این‌قرنطینه خانگی وجود دارد. این‌چنین شد که مسابقه‌ای را راه‌اندازی کردیم تا فرصتی برای آنها فراهم کنیم تا از خلاقیت خود برای یک امر خوب استفاده کنند. در دو ماه، از صد کشور جهان دو هزار نقاشی دریافت شد». هفت نقاشی برنده از سوی یک استودیوی معروف ژاپنی در کلیبی قرار گرفت. نسیم، ۱۶ساله، مهاجر افغان که

اینگ در یونان زندگی می‌کند، می‌گوید: «برق‌هرمان من زنی است که او را با الهام از یک دختر پناهنده سودانی که در زیر باران قدم می‌زند، خلق کردم. این تصویر را در یکی از پست‌های اینستاگرام کمیساریای عالی پناهندگان دیدم. این مسابقه از نظر من فرصتی بود تا به هدف من کمک کند. هدف من گسترش امید، همبستگی، توانایی و افزایش آگاهی هنگام ماندن در خانه بود. برق‌هرمان من همچنین یک پای فلزی دارد که با وجود آسیب‌دیدگی، قوی‌ترین قدرت او است. قدرت او در ترس‌هایش است. درست است که ویروس کرونا بخشی از زندگی ماست؛ اما نباید نگران باشیم. ما باید برای شکست‌دادن این ویروس در کنار هم ساعد ما باید برای شکست ویروس و کلیشه‌ها تلاش کنیم». الفای ۲۵ساله اهل کنگو است و اکنون در کنیا زندگی می‌کند. او یکی دیگر از برنده‌هاست که بر این باور است: «همبستگی بهترین راه برای محافظت از زندگی همه مردم در برابر این همه‌گیری، ازجمله پناهندگان است».

شکست‌کلیشه‌ها و ویروس

کمیساریای عالی پناهندگان در کشورهای متعددی فعالیت‌های خود را در زمینه مقابله با ویروس کرونا انجام می‌دهد؛ مثلاً کشور برزیل در این مدت حمایت‌هایی را به دست آورده و همچنین مسابقه نقاشی برای نوجوانان برگزار شده است که بیش از دو هزار پناهنده در سراسر جهان در آن شرکت کرده‌اند و تحلیات خود را برای نحوه مقابله با ویروس کرونا نقاشی کرده‌اند. هفت تصویر برتر در کلیبی قرار گرفته است. دلیل برگزاری این مسابقه از سوی این سازمان چنین عنوان شده است: «هنگامی که کشورها در سرتاسر جهان به خاطر همه‌گیرشدن بیماری کووید ۱۹ قرنطینه شدند، بسیاری از جوانان به

تجربه دیگران